

## راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی در قرآن و حدیث

عباس الهی<sup>۱</sup>

### چکیده

تمدن نوین اسلامی و تحقق آن از منظر آیات و روایات از مسائل مهم و ضروری عصر حاضر است، بدون شک آموزهای قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام می تواند در تحقق آن، نقش مهمی را ایفا کند؛ به همین رو نوشتار پیش رو در پی آن است تا به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از این آموزه ها راهکارهایی را ارائه نماید. برخی از مهم ترین آنها عبارتند از: راهکارهای اعتقادی که شامل توحید محوری که اساس و بنیان تمدن اسلامی است، ولایت محوری؛ هیچ تحول اساسی در تمدن نوین اسلامی خارج از دایره ولایت، رخ نمی دهد؛ زیرا از دیدگاه قرآن کریم، همه موجودات باید تحت ولایت الهی باشند؛ چنان که می فرماید: «هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا (الکهف / ۴۴)؛ آنجا ولایت و حکمفرمایی خاص خداست که به حق فرمان دهد و بهترین اجر و ثواب و عاقبت نیکو را هم او عطا کند. و راهکارهای اخلاقی که تقویت ایمان، اراده، حس کرامت و شرح صدر را دربردارد و

۱. استاد یار و عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه. abbas\_elahi48@yahoo.com.

ش تماس: ۰۹۱۲۷۴۷۵۴۹۳ آدرس: قم، میدان جهاد، مجتمع قرآن و حدیث، طبقه اول، مدرسه عالی حدیث

(مدیریت گروه عمومی).

راهکارهای اجتماعی که مشتمل بر تحکیم خانواده، همراه کردن دیگران با خود می باشد. و نیز راهکارهای سیاسی که شامل انسجام و وحدت بین مسلمانان و ایستادگی و مقاومت است. و همچنین از راهکارهای اقتصادی که لازمه اش وجود امنیت در جامعه و تلاش و سخت کوشی آحاد مردم است، می نوان نام برد. و نیز توجه به عقلانیت اسلامی و اجتهاد پویا و بالنده از دیگر راهکارهای فرهنگی پی ریزی تمدن نوین اسلامی است. دین مبین اسلام تمدن ساز است و عقلانیت اسلامی در گذر از جامعه جاهلی و بدوراز تمدن نوین اسلامی و نیز با برخورداری از فقه های تخصصی سنتی، احیاگر و اجتهاد پویا برای پایه ریزی و سامان دادن جامعه متمدن برآمده از زلال وحی و تعلیمات ناب پیامبر اسلام ﷺ، نقش ویژه ای را ایفا می نماید.

واژگان کلیدی: راهکارهای قرآنی، تحقق تمدن نوین اسلامی، اعتقادی، فرهنگی،

اقتصادی، سیاسی، اجتماعی

## مقدمه

سخن از تمدن نوین اسلامی قطعاً نمی‌تواند به معنای ایجاد یک تمدن نوین باشد. اگر واضعان این اصطلاح، پی‌ریزی تمدنی جدید را دنبال می‌کنند، مسلماً خطا می‌کنند؛ زیرا مدنیت و تمدن در روح اسلام جاری است و این دین‌انگاہ که ظاهر شد، مدنیت خویش را در مدینه و سپس در اطراف و اکناف جهان آشکار ساخت؛ بنابراین آنچه ذاتی اسلام است و خود، بیش از پیروانش، در پی تجلی ظهور و تحقق آن است، نمی‌تواند به عنوان جعل و وضعی نوین مورد توجه قرار گیرد؛ اما می‌توان از بازسازی، نوسازی، شکل‌گیری و تحقق تمدن نوین اسلامی که هدف بسیار بزرگ همه پیامبران و اولیای الهی است، سخن گفت. رسیدن به چنین هدف متعالی، نیازمند جهادی بی‌وقفه است و اراده حتمی خداوند متعال بر تحقق آن استوار شده است؛ چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»، (توبه ۳۳)؛ اوست خدایی که رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد هر چند مشرکان ناراضی و مخالف باشند.

چشم‌انداز مطلوب جامعه قرآنی و اسلامی، هنگامی به واقعیت خواهد پیوست که شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی به نحو کامل، در آن تجلی پیدا کند. دین اسلام به عنوان مکتبی تمدن‌آفرین، پس از آغاز بعثت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، تمدنی بسیار پیشرفته و نوینی را بنا نهاد که تمدن‌های دیگر را تحت الشعاع قرار داد. در این راستا نزول آیات وحی و احکام ناب آن، گواه جاوید پیامبر شد تا اجتماع جاهل آن روزگار را به سوی تمدنی اصیل سوق دهد. اندیشه ناب محمد صلی الله علیه و آله که بر پایه تفکر و عقلانیت استوار بود، موجب بیداری فطرت‌ها گردید و چنان نفوذی در عصر رسالت پیدا کرد که همه رسومات جاهلان را باطل یا اصلاح نمود و مردم را با معنویت و ایمان به خدای واقعی نزدیک نمود و ائمه هدی علیهم السلام نیز با پیروی از الگوی موفق رسول خدا، راه آن حضرت را پی گرفتند و موفقیت‌های زیادی را کسب نمودند؛ اما به رغم همه‌ی پیشرفت‌هایی که در صدر اسلام و پس از آن حاصل شد،

بدخواهان و دنیاپرستانی بودند که مردم را از ورود به این تمدن بزرگ باز داشتند و راه مقابله با آن را در پیش گرفتند؛ به همین رو دروازه این تمدن بزرگ هرچند تماماً بسته نشد؛ اما موجب کند شدن تحقق برنامه های آن گردید. از یک سو دولت های به ظاهر مسلمان روی کار آمدند و حیات طیبه جامعه نبوی را به حالت نیمه جان درآوردند. و از سوی دیگر دولت های کفر، در صدد رویارویی با این تمدن بزرگ برآمدند و اندک اندک با گسترش سیطره استعماری غرب، همواره سرمایه های فرهنگی و معنوی اسلام را به تاراج بردند. بی تردید اساسی ترین عامل انحطاط و انحراف کشورهای اسلامی در سبک زندگی، فاصله گرفتن و دور نگه داشتن جوامع اسلامی از جهان بینی توحیدی و تعالیم اسلام و امامان علیهم السلام بود.

در سده های اخیر با کوشش های عالمان و مصلحان دینی، به تدریج موجی از بیداری اسلامی و گرایش به قرآن و آموزه های اسلام شکل گرفت و منشأ حرکت های فکری، اجتماعی و سیاسی گردید. آیات قرآن و روایات، تمدن سازانی هستند که راهکارهایی را برای تحقق تمدن نوین اسلامی ارایه داده اند که مقاله حاضر در صدد تبیین و تحلیل آن است. درباره پیشینه موضوع، پژوهشهایی نیز صورت گرفته است؛ از جمله آنها پایگاه های اطلاعاتی مانند؛ [www.sid.ir](http://www.sid.ir)، [www.irandoc.ac.ir](http://www.irandoc.ac.ir) و مجلات علمی گوناگون، ولی هیچ مقاله ای که با بحث مورد نظرهمخوانی داشته باشد، یافت نشد، هرچند در حوزه تمدن اسلامی مقالات متعددی وجود دارد؛ اما هیچ کدام آنها این موضوع را از جنبه صرفاً قرآنی یا روایی مورد تحلیل و بررسی قرار نداده اند. نگاه نوشتار حاضر به قرآن و روایات، کاربردی است تا بتوان با تبیین و تحلیل راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی به ارائه الگویی برای شکوفایی تمدن اسلامی و تثبیت آن دست یافت.

ادبیات تحقیق

مفهوم شناسی

تمدن (civilization)

در لغت

تمدن به معنای حضارت (شهر آئینی) است و در مقابل بداوت (بادیه نشینی) قرار دارد [سپهری، ۱۹، ۱۳۸۹]. این واژه در فرهنگنامه های فارسی به معنای شهرنشینی و همکاری های لازم در جامعه شهری نیز آمده است. (ر. ک: دهخدا، ۱۳۷۷ ش، ذیل واژه تمدن؛ عمید، ۵۳۰، ۱، ۱۳۸۹).

### در اصطلاح

تمدن از جمله مفاهیمی است که به دلیل غامض بودن، تعاریف متعددی از آن ارائه شده است؛ برخی تمدن را با علم و تکنولوژی یکی انگاشته اند، عده ای آن را محدود به قدرت سیاسی کرده اند. از متفکرانی که در مورد تمدن به تفکر پرداخته، تایلور (Tylor) است. وی تمدن را این گونه تعریف می کند: «فرهنگ یا تمدن، مفهوم گسترده ای دارد که شامل علم و دانش، اعتقادات، هنر، اخلاقیات، قانون، رسوم، و بسیاری از توانایی ها و عاداتی می شود که هر انسان به عنوان عضوی از جامعه آنها را داراست» (قانع، ۱۳۲: ۱۳۷۹).

متفکر دیگری که به تعریف تمدن پرداخته است، علامه جعفری رحمته الله علیه است، ایشان، آن را تشنگل هماهنگ انسان ها در حیات معقول به همراه روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه ها در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان ها در همه ابعاد مثبت تعریف می کند. (ر. ک: جعفری، ۱۳۶۲ ش، ۱۶: ۲۳۲-۲۳۳).

### تمدن نوین اسلامی

اسلام، بنیان گذار تمدن باشکوهی بود که در برهه ای از تاریخ، بسیاری از مناطق را زیر نفوذ خود درآورده بود و از حلقه های درخشان تمدن بشری به شمار می رفت که از آن به عنوان تمدن اسلامی یاد می شود. اندیشمندان و محققان جهان اسلام، تعریف های گوناگونی از آن ارائه داده اند که برخی از مهمترین آنها چنین است:

۱. تمدن اسلامی به مجموعه آداب و رسوم مشترک میان ملت های مسلمان برگرفته از قرآن و سنت گفته می شود. (صاحب الزمانی، بی تا: ۸۹).

۲. مراد از تمدن اسلامی، تمدنی است که با اساس نگرش توحیدی، تمدنی ایدئولوژیک

است، با مجموعه ای از ساخته ها و اندوخته های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال مادی و معنوی رشد داده و به غایات مورد نظر خداوند می رسانند. (ر.ک: شریعتی، ۱۳۵۹ش، ۱۱: ۱۲ - ۱۳).

بنابر تعریف های مذکور، در ماهیت تمدن اسلامی، دو شاخصه دخیل است:

الف) نگرش توحیدی توأم با اندوخته های معنوی و مادی حاکم بر یک جامعه اسلامی که برگرفته از قرآن و سنت است.

ب) تمام این اندوخته ها در تلاش هستند تا انسان و جوامع انسانی را به سوی کمال و سعادت رهنمون سازند.

### کاربرد قرآنی تمدن

واژه تمدن و معادل عربی امروزی آن «الحضاره» در قرآن به کار نرفته است؛ اما واژه «مدینه»، شانزده مرتبه (بیدادفر، ۵۷۹) و واژه «مدائن»، سه مرتبه (همان، ۵۷۸) که از واژگان همسو با تمدن است در قرآن آمده است. تنها واژه ای که در قرآن، تا حدودی مفهوم امروزی تمدن را در بردارد، واژه «عمران» است، که ماضی باب استفعال آن در قرآن آمده است و مفهوم آبادانی زمین به وسیله انسان را می رساند؛ چنان که می فرماید: *وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»،* (هود: ۶۱)؛ و باز ما به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را به رسالت فرستادیم، صالح به قوم خود گفت: ای قوم، خدای یگانه را که شما را جز او خدایی نیست، پرستش کنید، او خدایی است که شما را از زمین بیافرید و برای عمارت و آباد ساختن آن، برگماشت.

آیات دیگری نیز معرّف تمدن است که در قرآن کریم آمده است؛ مانند:

- «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَعْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (غافر: ۲۱)؛ آیا این مردم در زمین به سیر و سفر نرفتند تا عاقبت حال پیشینیان را که از اینها بسیار بیشتر و قوی تر و مؤثرتر در زمین بودند مشاهده کنند؟ (که چگونه همه هلاک شدند) و آنچه اندوختند آنها را (از مرگ و

هلاکت) حفظ و حمایت نکرد.

آیه مذکور آیات مشابه آن (کهف: ۹۳ و...)، معرّف این معنا است که اقوام و ملتهای پیشین، اگرچه دارای تمدن‌هایی بودند و از نظر نظامی، اقتصادی و سیاسی، قدرت و تسلط بیشتری داشتند و میزان اثرگذاریشان فزون‌تر و فراگیرتر بود؛ اما به دلیل آن که مست‌غرور، خودباختگی، جهالت و تکبر شده بودند، دچار بی‌خبری و غفلت شدند و از معارف حقیقی که به وسیله رسولان خدا عرضه می‌شد، إعراض می‌کردند و آنها را چیزی به حساب نیاورده، مسخره می‌کردند و سرانجام آنان به هلاکت و نابودی ختم شد. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۵ ش، ۸۵، ۵، طباطبایی ۱۴۲۱ ه. ق، ۱۷، ۴۹۵ و ۵۳۹-۵۴۰، فضل‌الله، ۱۴۱۹ ه. ق، ۲۰، ۷۸).

### راهکار

#### راهکار در لغت

این واژه، مرکب از دو کلمه «راه و کار» می‌باشد. راه در لغت به معنای طریق است (دهخدا، لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۲۵) و کار یعنی آن چه از شخصی یا شیئی صادر شود، آن چه که کرده شود، فعل، عمل، پیشه، شغل و سعی، (معین، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۷)؛ با توجه به معنای این دو واژه، کلمه راهکار به معنای روش و طریق انجام کار و عمل می‌باشد. (همان).

#### راهکار در اصطلاح

واژه راهکار در اصطلاح علماء و دانشمندان علوم تربیتی، طریقه و شیوه کار است که میان اصل و هدف، امتداد دارد و عمل تربیتی را منظم می‌کند و نیز یاد دهنده و تربیت‌کننده را در رسیدن به هدف مورد نظر یاری می‌رساند. (هوشیار، ۱۳۳۵، ۱۸).

#### راهکارهای قرآنی و حدیثی تحقق تمدن نوین اسلامی

رهبر حکیم انقلاب در باره تشکیل تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، چنین فرمودند: «انقلاب اسلامی اینک وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی

شده است. عزیزان از انقلاب خود حراست و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی است، نزدیک کنید.» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

آیات و روایات، راهکارهای گوناگونی را برای شکل گیری تمدن نوین اسلامی، در حوزه های اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی ارایه داده اند که مهم ترین آنها به شرح زیر است:

۱. اعتقادی، شامل موارد زیر است:

#### الف) توحید گرایی

توحید محوری و گرایش به وحدت مبتنی بر توحید، اساس و بنیان تمدن اسلامی است. در اسلام، عقیده توحیدی و توجه به خدای یگانه، به عنوان اساس و سنگ بنای زندگی انسانی، تمدن، فرهنگ متعالی اسلامی و منشأ احکام شریعت شناخته شده است. پیامبران به عنوان منادیان توحید، مهم ترین شعارشان در جهت ایجاد جامعه ای متمدن و پیشرفته، تکیه بر وحدانیت، توحید و دوری از شرک و عصیان بوده است؛ چنان که قرآن کریم می فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...»؛ (نحل: ۳۶)؛ و همانا ما در میان هر امتی پیامبری فرستادیم که خدای یکتا را پرستید و از بتان و فرعونان دوری کنید...؛ و هم چنین قرآن کریم، نخستین شاخصه تمدن نوین اسلامی را «ایمان به خدا و توحید» می داند و در این باره می فرماید: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران: ۳)؛ خدا به یکتایی خود گواهی دهد که جز ذات اقدس او که نگهبان عدل و درستی است خدایی نیست، و فرشتگان و دانشمندان نیز به یکتایی او گواهی دهند؛ نیست خدایی جز او که (بر همه چیز) توانا و داناست.



امیر مؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه تمدن ساز که کانون معارف توحیدی است، در خطبه اول، دریای ناپیدا کرانه توحید و خداشناسی را چنین تبیین می کند: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ، وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِيقُ بِهِ، وَ كَمَالُ التَّصَدِيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ، وَ كَمَالُ تَوْحِيدِهِ الإِخْلَاصُ لَهُ، وَ كَمَالُ الإِخْلَاصِ لَهُ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ، لِشَهَادَةِ كُلِّ صِفَةٍ أَنَّهَا غَيْرُ الْمُوصُوفِ، وَ لِشَهَادَةِ كُلِّ مُوصُوفٍ أَنَّهُ غَيْرُ الصِّفَةِ»؛ نخستین پایه دین شناخت او [خدا] است، و کمال شناخت او راست دانستن (تصدیق) اوست، و کمال راست دانستن او یگانه دانستن اوست، و کمال یگانه دانستن او اخلاص برای اوست، و کمال اخلاص برای او نفی چگونگی (صفات) از اوست. زیرا هر صفتی گواه آن است، که غیر موصوف است و هر موصوفی گواه آن است که غیر صفت است. (نهج البلاغه، خطبه اول).

در این خطبه، امام علیه السلام در صدد است تا تعدد را (چه در صفات و چه در ذات) از خداوند متعال دور کند؛ زیرا ذات حق تعالی ذاتی کامل و دارای همه صفات کمال است. یکی از تفسیرهای توحید صفاتی نیز همین است که خدا را همانند پدیده‌هایی نپنداریم که دارای دو دسته صفات ذاتی و اکتسابی هستند؛ بنابراین توکل به خدا و توسل به احکام الهی در دوره معاصر نیز می تواند گره از مشکلات مسلمانان بگشاید و موجب شکل گیری تمدن نوین اسلامی باشد؛

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم نیز به این موضوع، چنین اشاره فرموده است: «انقلاب اسلامی به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی گیرد». (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

### ب) ولایت محوری

ولایت از بنیادی ترین مسایل دینی است که از جایگاه بلند اعتقادی و محتوای عمیق ارزشی برخوردار است و از ذخایر و گنجینه های نهفته درون عالم و آدم حکایت می کند که از سرچشمه حقایق باطنی جهان و کُنه وجود عالم و مبداء اعلای فیض، یعنی وجود واجب

تعالی فیضان کرده، جان و جهان را حیات بخشیده است و بر همه آنچه که هست، از ملک و ملکوت، غیب و شهود، تکوین و تشریح، سیطره پیدا کرده است. ولایت بالاترین نقطه هرم تمدن اسلامی است. هیچ تحول اساسی در اسلام خارج از فضای ولایی رخ نمی‌دهد. از دیدگاه قرآن کریم، همه موجودات باید تحت ولایت الهی باشند؛ چنان که می‌فرماید: «هَذَا لَكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ...»؛ (الکهف / ۴۴)؛ در آنجا ثابت شد که ولایت (و قدرت) از آن خداوند بر حق است. و نیز می‌فرماید: «... وَبَرِّزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»؛ و آنان در پیشگاه خداوند واحد قهار ظاهر می‌گردند. (ابراهیم / ۴۸).

پس از ولایت خدا ولایت پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام است که از ولایت الهی ناشی می‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم در باره وجوب اطاعت از خود، رسول اکرم و اولوالأمرش، چنین می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ... (نساء: ۵۹): ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالأمررا... .

علاوه بر آیاتی که محوریت موضوع ولایت را بیان می‌کنند، روایات متعددی وارد شده که ولایت را از ارکان اصلی و نیز از اساسی ترین آموزه های دین مبین اسلام و شرط پذیرش اعمال معرفی می‌نماید؛ از جمله در حدیثی زراره از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که ایشان فرمودند: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ»؛ (اسلام بر پنج چیز بنیان شده، بر نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت)، زراره گوید عرض کردم، کدامیک از اینها برترند؟ فرمود: «الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مُفْتَاخُهَا وَ الْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۵، ۳۳۲، باب ۲۷)؛ ولایت برتر است زیرا کلید آنهاست، و والی راهنمای آن امور است...). در این روایت امام باقر علیه السلام؛ ولایت را برترین بنیان اسلام، و کلید نماز و روزه و زکات و حج معرفی می‌نماید و والی را «دلیل و راهنما» بیان می‌کند. بدیهی است که بدون کلید، دلیل و راهنما، انسان از راه حق گمراه خواهد شد و نمی‌تواند به اصل و حقیقت عبادات، از جمله نماز و روزه و حج و زکات برسد، و لذا سایر اعمال او

بدون ارزش و اعتبار خواهد.

برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، به تحقق جامعه اسلامی نیازمندیم و جز از این طریق، نمی‌توان به نتیجه رسید. به طوری که در قرآن کریم در یک دسته بندی کلی و اساسی، دو جامعه معرفی شده است؛ همان‌طور که حاکمیت هم به تبع این تقسیم بندی به دو گروه تقسیم شده است، یک نوع جامعه که در قرآن به «جامعه جاهلی» تعبیر می‌شود. در این جامعه، برخی از مردم آن، اگر چه بت می‌پرستیدند، لیکن پرستش بت‌ها را برای تقرب به خدا انجام می‌دادند؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «... مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى...»، (زمر: ۳)؛ ما آن بتان را نمی‌پرستیم مگر برای اینکه ما را به درگاه خدا نیک مقرب گردانند و در عین حال دارای عقایدی بودند که گذشته از بت پرستی، رنگ جاهلیت نیز داشت و خداوند از آن به عنوان «ظن جاهلیت» یاد می‌کند و بقایای آن اندیشه جاهلی هنوز در برخی افراد تازه مسلمان باقی مانده بود و درگیر و دار حوادث و پیش‌آمدها بروز می‌کرد و خود را نشان می‌داد؛ از جمله گروهی بودند که بعد از شکست مسلمانان در جنگ احد، خداوند از آنان چنین یاد می‌کند:

«وَ طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا...»؛ (آل عمران: ۱۵۴).

و نیز در قرآن، جامعه دیگری به نام «جامعه ولایی» مطرح شده است که در مقابل جامعه جاهلی قرارداد؛ بنابراین برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی باید جامعه ولایی داشته باشیم. (ر.ک: پایگاه تخصصی اندیشه ولایت مصداق، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۸، درسنامه راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی).

برای تحقق جامعه ولایی، امامان علیهم‌السلام تلاشهای زیادی را به عمل آوردند؛ مانند امام حسن علیه‌السلام، امام حسین علیه‌السلام و امام سجاد علیه‌السلام که با خلفای ظالم و مکار با روشها و شگردهای گوناگون مواجه بودند. صلح امام حسن علیه‌السلام، با عث بقای عزت اسلام و

مسلمانان شد. قیام امام حسین علیه السلام، نهضت و جنبش فکری در جامعه ایجاد کرد و امام سجاد علیه السلام در قالب راز و نیاز و تعلیم آن به دیگران، این جنبش را فعال نموده و ادامه دادند. پس از ایشان، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام، زمینه را برای رشد فرهنگ و تمدن اسلامی، مساعد دیده از این رو با شکافتن مسائل علمی و بحث از علوم و فنون مختلف، جویندگان و تشنگان حقیقی را سیراب نمودند. البته بهترین موقعیت و شرایط یک نهضت و قیام بزرگ علمی در زمان امام باقر علیه السلام و سپس امام صادق علیه السلام به وقوع پیوست و این موقعیت باعث شد تا آن امامان بزرگوار، به نشر و اشاعه حقایق و معارف الهی پرداخته و مشکلات علمی را تشریح و جنبش علمی درازدامنی را به وجود آورده، مقدمات تأسیس یک دانشگاه بزرگ اسلامی را تدارک ببینند که این مهم در دوران امامت امام صادق علیه السلام به اوج خود رسید، و هرکدام از دو امام بزرگوار، نقش عظیمی را در این راستا ادا کردند. ائمه اهل بیت علیهم السلام پس از پی ریزی تمدن اسلامی به وسیله پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله نقش بی بدیلی را در شکل گیری تحقق تمدن بزرگ و بی مانند فرهنگ و تمدن اسلامی، ایفا نمودند؛ از جمله آنها صلح و نرمش قهرمانانه امام حسن مجتبی علیه السلام که بهترین راهکار را برای ماندگاری فرهنگ و تمدن اسلامی ارایه کرد، و نیز قیام امام حسین علیه السلام که نهضت، جنبش فکری و بنیان های تمدنی قرآنی را در جامعه ایجاد کرد. و هم چنین امام سجاد علیه السلام که در قالب راز و نیاز و تعلیم آن به دیگران، این جنبش را فعال نموده و ادامه داد. پس از ایشان، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام، زمینه را برای رشد فرهنگ و تمدن اسلامی، مساعد دیده است؛ به همین رو با شکافتن مسائل علمی و بحث از فنون مختلف، جویندگان و تشنگان حقیقی تمدن قرآنی و دینی را سیراب نمودند؛ بنابراین وقتی که در جامعه یا جوامعی، ولایت، محور قرار گیرد، کارکردهای زیادی را دنبال دارد و کوششهایی صورت می گیرد که برخی از مهمترین نمونه های تلاش های برخی از ائمه علیهم السلام با الهام از آیات نورانی قرآن کریم، برای تحقق فرهنگ و تمدن اسلامی و شکوفایی هرچه بیشتر آن به شرح زیر است:

- تربیت نیروهای انسانی و مدیران لایق

تحقق تمدن نوین اسلامی، موضوعی چند تباری است که به مدیریت کارآمد نیاز مبرم دارد. صرف قرار گرفتن داشته‌ها و اندوخته‌های مفید و قابل ستایش در کنار هم موجب تحقق تمدن، نمی‌شود؛ بنابراین، ارتباط و مناسبات منطقی اندوخته‌ها با یکدیگر تحت لوای برنامه ریزی هدفمند در پرتو مدیریت کارا، شکل‌گیری تمدن را در پی دارد. (ر.ک: ملکی، ۶۰۰، ۱۳۹۲) و از آنجایی که انسان، جزء اصلی تشکیل جامعه صالح، سالم و دارای مدیریت اثربخش، محور اصلی برنامه ریزی‌ها، قوانین، علوم و دیگر مسائل جامعه متمدن است؛ به همین رو برای مشارکت در اقدام بزرگ فعلیت بخشیدن به تمدن نوین اسلامی، به پرورش انسانها و تربیت کارگزاران و مدیران برخوردار از اعتقاد راسخ دینی، عزت نفس، توکل و اعتماد به خداوند، شجاعت، پایداری، عزم و اراده‌ی قوی و طهارت نفسانی، نیاز است؛ به عنوان نمونه به روشهای آموزشی و تربیتی برخی از انبیای اولوالعزم و همچنین امامان معصوم علیهم‌السلام در جهت پرورش انسانهای متمدن اشاره می‌شود؛ قرآن کریم درخصوص پرورش اصحاب رسول الله به وسیله آن حضرت می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (جمعه، ۲)؛ طبق این آیه‌ی شریفه، به طور کلی پیامبر اکرم از راه تزکیه، تقوا، تعلیم کتاب و حکمت به تربیت یارانش می‌پرداخت. و نیز درخصوص روش تربیت حضرت موسی علیه‌السلام نسبت به یارانش می‌فرماید: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»، (اعراف: ۱۲۸)؛ موسی علیه‌السلام به قوم خود گفت: از خدا یاری خواهید و صبر کنید که زمین ملک خداست، آن را به هر کس از بندگان خود خواهد به میراث دهد، و حسن عاقبت مخصوص اهل تقواست.

در این رابطه، ائمه معصومین علیهم‌السلام از جمله امام صادق و امام باقر علیهم‌السلام نیز به هدف تحقق تمدن نوین اسلامی، در جهت‌گزینش و پرورش گروهی از دانشمندان اسلامی و گسیل کردن آنان به شهرهای بزرگ اسلامی برای اجرای این هدف ارائه درست نظریات آنان و در نتیجه خنثی کردن تبلیغات دراز مدت امویان در معرفی اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نیز

نفی گرایش های غلوآمیز برخی از پیروان اهل بیت علیهم السلام، برخورد صریح و قاطع با غالیان و اظهار بیزاری از سران آنان، از جمله مغیره بن سعید و بیان بن سمعان جزو اقدامات مهم ایشان به شمار می رود (ر.ک: گشی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۲۳ - ۲۲۸)؛ شاگردان و پرورش یافتگان در مکتب امام صادق علیه السلام را تا چهارهزار تن نوشته اند و مقصود از آن، کسانی هستند که در مدت افاضه امام از او علم فراگرفته اند نه اینکه همه آنها هر روز در محضر او حاضر شوند. مرحوم شهیدی به نقل از کتاب کشف الغمه می نویسد شماری از تابعین از او روایت کرده اند که از جمله آنان، امام صادق و امام باقر علیهم السلام دانشمندان زیادی را در علوم مختلف، مانند تفسیر، کلام، شیمی و... تربیت کردند و آنان را به مناطق گوناگونی ارسال کردند تا معارف دین را تبلیغ کنند و با عقاید غلوآمیز و خرافی مقابله کرده و از غالیان و بدعت گزاران، بیزاری بجویند و اهل بیت عصمت و طهارت را به طور شایسته به دنیا معرفی کنند؛ از جمله آنان، یحیی بن سعید انصاری، ابان بن تغلب، سفیان ثوری، ابن جریج، سفیان بن عیینه، ابراهیم بن طهمان و نیز جابر بن حیان کوفی می باشند. (ر.ک: شهیدی، ۱۳۶۲، ۶۵).

مقام معظم رهبری خطاب به اساتید و دانشجویان، آن‌ها را مدیران آینده کشور و پایه ریز تمدن نوین اسلامی عنوان کرده و نیروی انسانی را مهمترین عامل تمدن سازی خطاب کردند؛ ایشان در این رابطه چنین فرمودند: «یکی از مراکز مهم تربیت قوه‌ی عاقله‌ی کشور، دانشگاه است؛ تربیت قوه‌ی عاقله‌ی کشور... اساتید در دانشگاه نقش فوق‌العاده‌ای دارند؛ یعنی در این فرایند ساختن و پرورش دادن قوه‌ی عاقله برای اداره‌ی کشور، استاد یک نقش ویژه‌ای دارد» [۲۰/۰۳/۱۳۹۷]، بیانات معظم له در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۹۸۷>؛

ایشان هم چنین در بخشی دیگر از سخنانشان در دیدار با معلمان و فرهنگیان فرمودند: «آموزش و پرورش باید بتواند انسانهایی تربیت کند دانا باشند، توانا باشند، خردورز باشند، پارسا باشند، پرهیزکار باشند، پاکدامن باشند، کارآمد باشند، مبتکر باشند، شجاع باشند، اهل اقدام باشند، از دشمن نترسند، از تهدید نترسند، خواب‌رفتگی و غفلت پیدا نکنند؛

انسانهای این جوری تربیت کند... و تربیت یک چنین انسانهایی، یک چنین جوانهایی، پایه‌ی اصلی ایران سربلند فردا و نیز تمدن نوین اسلامی است»؛ (، بیانات معظم له در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱).  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-۴۲۴۱۰content?id=>

### - تأسیس فرهنگ مکتوب

«مهم ترین حرکت امام باقر علیه السلام جهت جامه عمل پوشیدن به تمدن نوین اسلامی، تأسیس فرهنگ مکتوبی است که جلوه های آن در دانشگاه امام صادق علیه السلام و آثار علمی متعدّد آن بعداً نمودار شد. این تعبیر که رسانه ای شدن مفاهیم منجر به مهاجرت آن می شود، می تواند در توضیح حرکت امام باقر علیه السلام و تلاش ایشان برای ایجاد فرهنگ مکتوب و استفاده از کتاب که امروزه به عنوان یک رسانه نیز تلقی می شود، کارساز افتد. توصیه امام صادق علیه السلام نیز به شاگردان در مکتوب کردن، یکی از شیوه های مانایی علوم و در امان ماندن آن از گزند فراموشی و نابودی بوده است. با مکتوب کردن علوم، شخص از دانش یافته های علمی اش بر اثر فراموشی و مانند آن محروم نمی شود و نسل های بعد از دانش مکتوب بهره مند می شوند. امام صادق علیه السلام فرمود: هر آنچه می دانی، بنویس و آن را در بین برادرانت منتشر کن و موقعی که می میری، کتاب هایت را برای فرزندان به ارث بگذار. (ر. ک: جعفریان، ۱۳۶۹، ۳۵۷-۳۵۸). ایشان با تشویق شاگردان خویش به کتابت، سبب شد چهارصد کتاب و رساله در دوره های درس او تألیف شود. همچنین حضرت درباره حفظ کتاب ها و راه اندازی کتاب خانه ها، بسیار تأکید می فرمود. همه اینها سبب شد تا به وسیله امام جعفر صادق علیه السلام که بزرگ ترین دانشگاه زمان خود را تأسیس کرده بود، مهم ترین میراث فرهنگی در تاریخ اسلام محفوظ بماند و به دست آیندگان برسد (حکیمی، ۱۳۷۷، ۱۳۵).

### - احیای فرهنگ و تمدن اسلامی

هر چند سیاستِ جلوگیری از تدوین احادیث نبوی صلی الله علیه و آله با شعار «کافی بودن قرآن» پیش

می رفت، اما از عمل به قرآن خبری نبود و فقط از آن به صورت ابزاری برای جلوگیری از نشر معارف اهل بیت علیهم السلام و زنده شدن نام آنها استفاده می شد. کتاب خدا به ابزاری برای دست یابی به اغراض سیاسی و سرکوبی پیروان اهل بیت علیهم السلام با تأویل و تفسیر به رأی، به ابزار سرکوبی مخالفین تبدیل شده و در واقع، قرآن در انزوای شدید بود. در روزگار امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام و پیش از آنان نه تنها آیات قرآن درست تبیین و بدان عمل نمی شد؛ بلکه با تفسیر به رأی و تأویلهای نابجا از آن استفاده ابزاری می شد و در واقع قرآن به جای آن که در زندگی مردم حضوری پررنگ و مؤثر داشته باشد، در انزوا قرار داشت. در چنین اوضاع اسفناک، امام باقر علیه السلام در جایگاه بهترین مفسر قرآن با بازگو کردن تفسیر درست آیات، بسیاری از ابهام ها را زدود و مشت مخالفین و سودجویان را باز کرد. او همواره برای اثبات ادعاهای خود از آیات قرآن بهره می جست و کلام خدا را گواه بر سخن خویش می گرفت و می فرمود: «هر چه را می گویم از من سؤال کنید در کجای قرآن آمده تا آیه مربوط به آن را برایتان تلاوت نمایم». (طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۶۹). امام به اندازه ای بر آیات قرآن تسلط داشت که «مالک بن اعین جهنی» شاعر هم عصر امام درباره او سرود: «اگر مردم در صدد جست وجوی علوم قرآن بر آیند، باید بدانند که قریش بهترین دانای آن را دارد و اگر امام باقر علیه السلام در علوم قرآنی لب به سخن گشاید، فروع زیادی برای آن ترسیم خواهد نمود...» (ابن عنبه، ۱۳۶۲، ۱۹۵؛ مفید، ۱۳۸۰، ۲، ۲۲۶)».

امام صادق علیه السلام نیز در ادامه کار پدر بزرگوارشان، احیاگر فرهنگ اسلامی محسوب می شود؛ لذا فرهنگ اسلامی، مرهون تلاش های امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام است که با نشر و بسط معارف اسلامی، پایه های فرهنگ اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله را استحکام بخشیدند و با پروراندن شاگردان ویژه و زبده در سراسر عالم، فرهنگ اصیل اسلام را منتشر ساختند. مالک بن انس از شاگردان معروف امام صادق علیه السلام می گوید: «وَمَا رَأَتْ عَيْنٌ، وَلَا سَمِعَتْ أُذُنٌ، وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ، أَفْضَلَ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، عِلْمًا، وَعِبَادَةً، وَوَرَعًا» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ص ۲۶۹)».



### – قانون مداری:

از مهم ترین راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی، اجرای دقیق قوانین الهی در جوامع بشری است. تحقیقات کتابخانه ای و میدانی حکایت از آن دارند که تمدن های بشری، همواره با چالش مهم نابرابری، تبعیض و عدم رعایت قانون مواجه بودند و چه بسا یکی از دلایل عمده سقوط آن ها، بی توجهی به اجرای دقیق قانون بوده است؛ اما اسلام با ظهورش، با نگاهی الهی، اصل مساوات و پیشگیری از تبعیض در اثر رعایت قانون را سرلوحه برنامه های انسان ساز خود قرار داد و توانست در مدت کوتاهی، تمدنی بزرگ را رقم بزند، نمونه کامل و مصداق بارز آن، جامعه نبوی است که رسول گرامی اسلام با شعار قانون گرایی، مساوات و از بین بردن تبعیض در اثر اجرای دقیق قانون، تلاشهای زیادی را به عمل آورد و جامعه ای قانونمند و متمدن را محقق کرد و آن را الگویی برای تمام جوامع بشری قرارداد؛ به همین رو رعایت قوانین در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی، مورد تأکید اسلام است و در موارد گوناگونی مانند؛ تقسیم بیت المال، قضاوت و... قابل پیاده شدن است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با درک عمیق از نقش قانون و قانون مداری در تمدن سازی، فرمود: «إِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكُوهُ وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ» ۶ (پاینده، ۱۳۸۲ ش، ۳۴۵ و بخاری، ۲۶۹، ۵، ۱۴۰۷)، نابودی مردم پیش تر از شما از آنجا بود که اگر سرشناسی دزدی می کرد، رهایش می ساختند و چون ناتوانی دزدی می کرد، مجازاتش می کردند. در رویکرد دینی، اجرای حدود الهی نسبت به افراد دور و نزدیک، و حکم بر طبق کتاب خدا در خشنودی و غضب و تقسیم عادلانه میان سیاه و سفید، عامل رستگاری دنیا و آخرت است. حاکم اسلامی نیز موظف به اجرای دستورات خدا در جامعه است.

مقصود از قانون مداری، حفظ و اجرای قوانین به طور عادلانه در جامعه و رعایت حقوق همه افراد می باشد؛ بنابراین، جامعه ای، قانون مدار و قانونگرا محسوب می شود که قوانین در آن کاملاً رعایت شوند و همه آحاد جامعه در برابر قانون، مساوی و رهبران آن قانون پذیرترین

افراد در جامعه باشند. (نوری، ۱۳۸۳، ۸۶).

قانون‌گرایی در سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام در جهت تحقق جامعه‌ای متمدن و قانونمند، از اهمیت و منزلت بالایی برخوردار بود. رسول‌گرامی اسلام، اجرای قوانین جزایی و کیفری اسلام (حدود) را بر متجاوزان به حریم قانون، بهتر از عبادت شصت سال و نیز برتر از بارش چهل شب باران بر زمین می‌دانست؛ چنان که فرمود: «حَدُّ يُقَامُ فِي الْأَرْضِ أَزْكَى مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً»؛ بر پا شدن يك حد [الهی] در روی زمین، پاکیزه‌تر از عبادت شصت سال است. (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۹۴، ۲۱۴).

در سیره علوی نیز موارد متعددی از قاطعیت آن حضرت عَلَيْهِ السَّلَام در اجرای قانون و پیش‌گیری از سوء استفاده اطرافیان و خویشاوندان وجود دارد که به یک نمونه اشاره می‌شود: «إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أُتِيَ بِالتَّجَاشِيِّ الْحَارِثِيِّ الشَّاعِرِ قَدْ شَرِبَ الْخَمْرَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَضْرَبَهُ ثَمَانِينَ ثُمَّ حَبَسَهُ لَيْلَةً ثُمَّ دَعَا بِهِ مِنَ الْغَدِ فَضْرَبَهُ عِشْرِينَ سَوْطًا فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ضَرَبْتَنِي ثَمَانِينَ سَوْطًا فِي شُرْبِ الْخَمْرِ فَهَذِهِ الْعِشْرُونَ مَا هِيَ فَقَالَ هَذَا لِجُرْأَتِكَ عَلَى شُرْبِ الْخَمْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ»؛ (ابن بابویه، ۵۶، ۴، ق ۱۴۱۳)؛ امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام به نجاشی شاعر که در ماه رمضان شرب خمر می‌کند، حضرت، هشتاد ضربه شلاق به او می‌زند و علاوه بر آن یک شب او را حبس می‌کند و فردا هم بیست ضربه شلاق به او می‌زند؛ نجاشی به حضرت عرض می‌کند یا امیرالمؤمنین، هشتاد ضربه شلاق زدید، زیرا حد شرب خمر هشتاد ضربه شلاق است؛ اما یک شب من را حبس کردید و امروز هم بیست ضربه شلاق زدید، این مجازات مضاعف برای چه بود؟ حضرت فرمودند که این ۲۰ ضربه شلاق به خاطر این است که جرأت کردی تا در ماه رمضان شراب بخوری.

## ۲. فرهنگی:

### الف) عقلانیت اسلامی

از دیگر راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی، توجه به عقلانیت اسلامی است. عقل و عقلانیت در منظومه اندیشه دینی، مفهوم‌آشنایی است. در متون و نصوص اسلامی عقل و

تعقل مکرر مطرح شده است. این عقل را می توان عقل دینی یا اسلامی نامید که ویژگیهای ارزشی خود را دارد. با عقلی دیگر در زندگی عادی مردم روبه رو هستیم که تدبیر امور فردی یا اجتماعی می کند. ممکن است جهت گیری دینی هم نداشته باشد و حتی جهت گیری ضد دینی داشته باشد. در واقع، عنصری مدّبر و گره گشاست و در چارچوب نظام هنجاری فاعل خود عمل می کند. خود، عنصری ارزشی نیست و ویژگیهای ارزشی معینی ندارد. (ر. ک: مجله حوزه، فروردین و اردیبهشت - خرداد و تیر ۱۳۸۰، شماره ۱۰۳ و ۱۰۴).

قرآن کریم بیش از سیصد بار به گونه های مختلف، انسان را به تفکر و تعقل دعوت کرده است. (طباطبایی، ۱۳۹۲، ۵، ۲۵۴). مهم ترین هدف پیامبران و رسولان الهی، تکامل عقلانی بشر است؛ چنان که پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: «وَلَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا وَلَا رَسُولًا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ الْعُقْلَ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ۱: ۳۰، ح ۱۱)؛ خداوند، هیچ پیامبر و رسولی را جز بر تکمیل خرد، مبعوث نفرمود.

همچنین برابر بیان امیرمومنان علی عليه السلام پی در پی آمدن پیامبران، برای این بود که خردهای پنهان شده مردم را از زیر گرد و غبارهای ضلالت بیرون آورند؛ چنان که حضرت می فرماید: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ، ... وَ يَشِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱)؛ پس پیامبران را به میانشان فرستاد. پیامبران از پی یکدیگر آمدند تا از مردم بخواهند که خردهاشان را که در پرده غفلت، مستور گشته، برانگیزند.

و نیز اسلام به اندیشیدن بها داد، عقل و اندیشیدن را با عباراتی بی نظیر ستود، مسلمانی را با تفکر و تعمق عجین نمود و نیز انسان را به بهره گیری هرچه بیشتر از این نعمت الهی فراخواند و کسانی را که از آن استفاده نمی کنند با شدیدترین عبارات سرزنش کرد تا جایی که آنان را از حیوانات هم پست تر معرفی نمود؛ چنان که قرآن فرموده است: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»؛ (اعراف: ۱۷۹)، و در حقیقت، بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم [چراکه]، دل هایی دارند که با آن [حقایق

را] دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شنوند. آنان همانند چهارپایان، بلکه گمراه‌ترند [آری] آنها همان غافل ماندگانند.

بی تردید دین مبین اسلام، تمدن ساز است و عقلانیت اسلامی در گذر از جامعه جاهلی و بدوراز تمدن نوین اسلامی و برای پایه ریزی و سامان دادن جامعه متمدن برآمده از زلال وحی و تعلیمات ناب پیامبر اسلام ﷺ، نقش ویژه ای را ایفا می‌کند. آن حضرت، جامعه ای را که مردم آن، دچار توحش شده و از تمدن، فرهنگ و آداب و رسوم جامانده بودند، با عقل گرایی و اندیشه ورزی به جایی رساند که فخر آدم و عالم شدند. عقلانیت اسلامی در برپایی جامعه متمدن، کارکردهای گوناگونی دارد که از جمله آنها نقش هدایتی است. از دیدگاه قرآن، عقل، نیرویی سالم و به دور از شهوت و غضب است که با درک حقایق، نیکی‌ها و زشتی‌ها، انسان را به سوی نجات از جهنم هدایت می‌کند؛ چنان که قرآن مجید می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۷ و ۱۸)؛ پیامبر، مژده ده به بندگانی که به سخنان گوش فرا میدهند و بهترین سخن را پیروی میکنند. آنان هدایت یافتگان الهی و صاحبان خرد هستند.

نام این قسم از خرد اسلامی، عقل معاد است. یکی دیگر از اقسام آن، عقل معاش است که نقش آن مربوط به زندگی دنیا و چاره اندیشی درباره معضلات و مشکلات زندگی و تدابیر امور جاری حیات مادی برای تشکیل جامعه ای با تمدن نوین اسلامی است، تا آدمی را به حیات معقول رهنمون کند، این نوع عقل را عقل معاش می‌گویند؛ در این رابطه، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی تصویری زیبا از عقل معاش و معاد ارائه داده اند؛ چنان که فرمودند: «لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَرْمُ مَعَاشَهُ وَ سَاعَةٌ يُحَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَدَّتِهَا فِيمَا يَحُلُّ وَ يَجْمُلُ وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثِ مَرْمَةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ خُطْوَةٍ فِي مَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ»؛ [نهج البلاغه کلمات قصار، کلام ۳۹]؛ مؤمن را سه ساعت است: ساعتی که در آن با پروردگارش به راز و نیاز است (عقل معاد)، ساعتی که در

آن زندگانی خود را کارساز است (عقل معاش)، ساعتی که در حلال و نیکو با لذت نفس، دمساز است و خردمند و عاقل را نسزد که جز در پی سه چیز رود: ۱. زندگی را سرو سامان دادن، ۲. در کار معاد گام نهادن، ۳. گرفتن کام از چیزهای غیر حرام. مقام معظم رهبری در مورد این حوزه چنین فرموده اند: عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را برتفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن، برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا آن است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام بگیرد. عقلانیت به معنای محافظه کاری، مسامحه و تساهل نیست. (بیانات معظم له، ۱۹/۴/۱۳۸۸).

#### ب) اجتهاد پویا و بالنده

تمدن سازی، فرایندی نیست که در خلا انجام پذیرد. همواره اقتضائات گریز ناپذیری وجود دارند که نمی توان با دیده بی اعتنایی به آنها نگریست. بویژه در مورد تمدن اسلامی که جهت گیری دینی دارد و روح آن را فرامین شریعت تشکیل می دهد و رسالت سنگینی را از حیث مواجهه دین با اقتضائات زمانه، بر عهده دانشمندان اسلامی می نهد. در مبانی کلامی اجتهاد، اثبات گردیده است که منابع دین که عبارتند از قرآن کریم، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و عقل توحید محور، پاسخگوی همه نیازهای بشری هستند؛ پس اگر دین ظرفیت پاسخ گویی به نیازهای فردی و اجتماعی را دارد، باید بتواند به نیازهای تمدنی که ساختارها و سیستم های اداره کننده جامعه بشری در بستر تاریخ هستند، پاسخی پایدار بدهد؛ به همین رو اجتهاد پویا و بالنده با همه ضوابط و شرایطش چشمه جوشانی است در دل فقه برای همگام کردن آن با رویدادهای زندگی در بستر زمان. چنین اجتهادی در همه زمینه ها بر اساس ملاکهای معتبر شرعی و سنجیدن ابعاد قضایای فردی، اجتماعی، جهانی، سیاسی، اداری، قضایی، حکومتی و... با در نظر گرفتن دو عصر زمان و مکان تحقق می یابد و این اجتهادی است که به فقه جامعه ساز و تمدن آفرین، در همه زمینه ها

عینیت می بخشد.

در تعبیری امام علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ أَكْثَرَ الْفِكْرَ فِيمَا تَعَلَّمَ أَتَقَنَّ عِلْمَهُ، وَ فَهَمَّ مَا لَمْ يَكُنْ يَفْهَمُ»؛ کسی که در آموخته هایش تفکر و تأمل نماید علم او از استحکام برخوردار است، و به آنچه برای وی، قابل فهم نبوده، دست می یابد (آمدی، ، ۱۳۷۷، ۲، ۲۹۸)، اشاره به اینکه: صرف آموزش علم کافی نیست، بلکه ساماندهی، تفکر در آموخته ها و اسلوب بخشی به آن و اجتهاد در این مسیر، علم را بارور و کارآمد می سازد.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

ما در زمینه‌ی علوم اسلامی هم باید پیشرفت پیدا کنیم. ما در زمینه‌ی فقه نیاز داریم به اینکه نگاه نوبی را به مسائل فقهی مطرح کنیم. آنچه آقایان اشاره کردند - فقه‌های تخصصی - در این جهت است. در بخشهای مختلف اداره‌ی کشور و اداره‌ی جوامع بشری، فقه میتواند حرف تازه داشته باشد، فقه اسلام می تواند حرف نوبی را ارائه کند و مطرح کند؛ باید در این زمینه‌ها کار کنیم؛ این کار فقه است، (بیانات رهبری در دیدار با شرکت‌کنندگان در کنگره «نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی»، ۱۳۹۷/۲/۲۲). <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39581>

### ۳. اخلاقی:

#### الف) تقویت ایمان و اراده

مشارکت در اقدام بزرگ تحقق جامعه متمدن اسلامی، نیازمند اعتقاد و ایمان راسخ به دین، عزم و اراده ی قوی و طهارت نفسانی است. این درسی است که قرآن کریم به ما داده است؛ آن جا که می فرماید: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ (اعراف/۲۸)؛ موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری خواهید و صبر کنید که زمین، ملک خداست، آن را به هر کس از بندگان خود خواهد به میراث دهد، و حسن عاقبت، مخصوص اهل تقواست.

#### ب) تقویت حس کرامت

ارزش کرامت، در میان شبکه وسیع و بهم پیوسته ارزش های انسانی و الهی از موقعیتی ویژه بر خوردار است. از آنجایی که انسان پرتوی از عالم غیب و ملکوت است ریشه احساسات اخلاقی از همین ناحیه پیدا می شود. در مکتب اسلام تمام احساسهای اخلاقی از پیدا کردن خود، ظاهر می شوند. اخلاق در اسلام بر محور خود شناسی و احساس کرامت در خود واقعی بنا شده است. [ر.ک: مطهری، ۱۳۱۲، ۲۵].

تقویت بنیان کرامت از دو جهت می تواند در آفرینش تمدن نوین اسلامی مفید و موثر باشد؛ نخست اینکه در فرایند تمدن سازی، گاهی متغیرهایی مزاحم و اخلاص گر که هدفی جز تحقیر و بی هویت کردن جامعه پیشرو را ندارند، قد تقویت بنیان کرامت از دو جهت می تواند در آفرینش تمدن نوین اسلامی مفید و موثر باشد؛ نخست اینکه در فرایند تمدن سازی، گاهی متغیرهایی مزاحم و اخلاص گر که هدفی جز تحقیر و بی هویت کردن جامعه پیشرو را ندارند، قد علم می کنند. در برابر این متغیرها که عمده آنها از سوی مهاجمان فرهنگ خودی طراحی می شوند تنها با توسل به عامل ارزشی کرامت، می توان ایستادگی و مقاومت نمود. بدیهی است؛ جامعه کریم هیچگاه تن به انواع زبونی ها اعم از علمی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نمی دهد و ناامیدی و وابستگی را بر نمی تابد. از دیگر سو، با تقویت کرامت، هسته مرکزی فرهنگ یعنی نظام ارزشها، استحکام درونی پیدا می کند و نمود بیرونی فرهنگ یعنی عمل ها و عکس العمل ها، رو به بهبود و ثبات می رود. به تدریج، با استمرار رفتارهای ارزش مدار، فضای مولد و رشدآور بر جامعه حکمفرما می شود. نظام سلطه جهانی برای ممانعت از تقویت هویت دینی و ملی، از دیرباز، با طراحی سناریوهای مختلف در صدد ایجاد فضایی یاس آور در میان ملتی که احساس حقارت کرد و به جای «جوامع اسلامی و در راس آنها، جامعه اسلامی ایران است. دشمن به خوبی می داند. محور دیدن ارزش های خویش، ارزش های دیگران در نگاه او جلوه نمود، به تدریج هویت و کرامت آن ملت و امت از کف خواهد رفت. سران استکبار و تمدن مادی همواره خواسته اند ملت های مومن و امت ایمانی را به نقطه ای برسانند که در مقابل ارزش های آنها احساس

حقارت کنند. البته در طول تاریخ تحقیر ملت‌ها، شیوه‌ها و شکل‌های متفاوتی داشته است؛ که در دوره بعد از رنسانس بسیار پیچیده تر و به خصوص بعد از انقلاب صنعتی و فراگیر شدن محصولات صنعتی، بستر آن، فراهم تر شده است. [میرباقری، سیدمحمد مهدی، ۱۳۱۱، نوآوری و تمدن سازی اسلامی، وبلاگ شخصی].

### ج) شرح صدر

داشتن سینه ای گشاده و ظرفیت بالا، از اخلاقیات پسندیده فردی و اجتماعی است که در آیات و روایات به آثار متعدد آن اشاره شده است. بدون تردید، انجام دادن هر کاری نیاز به ابزار مخصوصی دارد که توجه به آن ابزار، در پیشبرد کارها ضروری است. مدیریت و رهبری انسان‌ها نیز چه در یک سازمان کوچک اجتماعی و چه در سطح جامعه، نیاز به ابزارها و روش‌های ویژه‌ای دارد که بی‌توجهی به آن ابزارها یا در اختیار نداشتن هر یک از آنها، مانع تحقق اهداف می‌شود. یکی از بهترین ابزارهای مدیریت، داشتن سعه صدر است. مدیری می‌تواند به خوبی رهبری گروه یا سازمانی را برعهده گیرد که سعه صدر داشته باشد خداوند، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی پیامبر اسلام ﷺ را - که در تشکیل جامعه متمدن اسلامی موفق بود - سعه صدر فوق‌العاده آن حضرت نام برده است؛ چنان‌که در سوره انشراح در آیاتی چند از آن یاد کرده و می‌فرماید: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ»؛ (ای رسول گرامی) آیا ما تو را (به نعمت حکمت و رسالت) شرح صدر (و بلندی همت) عطا نکردیم؟ و نیز در آیات متعددی به پیامبر و مسلمانان دستور داده شده است که با غیر مسلمانان با سعه صدر و ملاحظت برخورد شود تا آنان را به شنیدن سخن حق، تشویق کند. رسول گرامی اسلام در این رابطه می‌فرماید: «أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مَدَارَةً لِلنَّاسِ، وَ أَدْلُ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ»؛ (شیخ عباس قمی، سفینه‌البحار، ۱۰، ۴۴۱)؛ عاقل‌ترین مردم کسی است که بیشتر با دیگران مدارا کند، و خوارترین مردم کسی است که آنان را مورد تحقیر و توهین قرار دهد. و نیز علی عليه السلام فرمود: «أَلَّةُ الرِّيَاسَةِ، سَعَةُ الصَّدْرِ» (نهج البلاغه / حکمت ۱۷۶).



## الف) تحکیم بنیان خانواده

از مهمترین ابزارهای اجتماعی برای تخریب خانواده در تمدن غربی، گسترش فساد اجتماعی اعم از راهها و روشهای ضدفرهنگی است؛ از جمله آنها، گسترش فساد جنسی در جامعه است. فیلمهای ویدیویی، برنامه های تلویزیونی، ماهوارها، مجلات و تصاویر مبتذل، کاتالوگ کالاهای لوکس و تبلیغات روانی که از این ابزارها نشات میگیرد، همگی سعی دارند تا قشر جوان جامعه ما را در فساد جنسی فرو برند و بدینوسیله آنان را از اهداف معنوی و فرهنگی انقلاب اسلامی منحرف کنند. (ر.ک: فلسفی: بی تا، ۱، ۳۳).

آیات متعددی از قرآن کریم و نیز روایات زیادی از معصومان علیهم السلام راههای گوناگونی را برای تحکیم روابط خانوادگی پیشنهاد داده اند؛ مانند حُسن معاشرت؛ چنان که قرآن مجید می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»؛ (النساء/۱)، ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. نیز از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترف هستید و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می خواهید، نام او را می برید! (و نیز از قطع رابطه با) خویشاوندان خود پرهیز کنید؛ زیرا خداوند مراقب شماست. و نیز مشاوره و همکاری اعضای خانواده با یکدیگر؛ چنان که علی علیه السلام فرمود: «وَلَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقُ مِنَ الْمَشَاوَرَةِ» (ابن شعبه حرانی 94 / 1404)؛ هیچ پشتیبانی مطمئن تر از مشورت نیست.

رهبر معظم انقلاب در باره نقش خانواده در سلامت جامعه فرمود:

«مسئله‌ی خانواده، مسئله‌ی بسیار مهمی است؛ پایه‌ی اصلی در جامعه است، سلول اصلی در جامعه است. نه اینکه اگر این سلول سالم شد، سلامت به دیگرها سرایت میکند؛ یا اگر ناسالم شد، عدم سلامت به دیگرها سرایت میکند؛ بلکه به این معناست که اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلولها چیز دیگری نیست. هر جهازی،

مجموعه‌ی سلولهاست. اگر ما توانستیم سلولها را سالم کنیم، پس سلامت آن جهاز را داریم. مسئله اینقدر اهمیت دارد» [، بیانات مقام معظم رهبری در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۴/۱۰/۱۳۹۰]. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=.> ۱۸۴۵۳

### ب) همراه کردن دیگران با خود

برای تحقق تعامل اجتماعی و ارتباط مؤثر با مردم در قدم اول شایسته است بکوشیم این رسالت بزرگ و متعالی امر بمعروف و نهی از منکر را برای دوستان، نزدیکان و افراد جامعه‌ی خود تبیین کنیم، تا آنان نیز نسبت به این مسئولیت مهم آگاه شوند و یار و پشتیبان آن گردند و در تحقق آن بکوشند؛ چنان که قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ»؛ (آل عمران / ۱۱۴)، ایمان به خدا و روز قیامت می‌آورند و امر به نیکویی و نهی از بدکاری می‌کنند و در نکوکاری می‌شتابند و آنها خود مردمی نیکوکارند.

هدف‌های سه‌گانه‌ی مطرح شده در این آیه، از بزرگ‌ترین خیرها در جهان امروز می‌باشند، که شایسته است دیگر مردم جامعه را به آن‌ها دعوت کنیم و با خود همراه نماییم؛ چنان که امامان معصوم علیهم‌السلام از جمله امام حسین علیه‌السلام تلاشهای زیادی را به عمل آوردند تا مردم زمانشان از آنان پیروی کنند؛ اما همواره عده کمی پاسخ مثبت می‌دادند؛ اما آن بزرگواران از انجام مسؤولیتهای لازم دست برنمی‌داشتند.

مقام معظم رهبری در باره کارآمدترین شیوه تعامل اجتماعی چنین فرمودند:

«اگر معنای امر به معروف و نهی از منکر و حدود آن برای مردم روشن شود، معلوم خواهد شد یکی از نوترین، شیرین‌ترین، کارآمدترین و کارسازترین شیوه‌های تعامل اجتماعی، همین امر به معروف و نهی از منکر است» (، بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=.> ۲۵/۰۹/۱۳۷۹) ۳۰۴۰

۵. سیاسی:

الف) انسجام و وحدت بین مسلمانان:

وحدت و همبستگی از علائم حیاتی یک اجتماع می باشد. با توجه به گسترش دنیای اسلام و اینکه جمعیت مسلمانان بیش از یک میلیارد نفر و روز به روز در حال افزایش است، طبیعی است که دشمنان اسلام نیز بیشتر میشوند و بیکار نمینشینند و با نیرنگها و دسیسه ها باعث تفرقه و از بین بردن اتحاد بین مسلمین میشوند؛ از این رو باید عوامل وحدت مسلمین را شناسایی و با راهکارهای درست و بجا به کار بست و استفاده نمود تا روابط بین آنها تحکیم شود و احدی نتواند زنجیر پیوند آنها را از هم بشکند و از بین ببرد.

قرآن کریم در آیات متعددی، با تعابیر مختلفی بر وحدت و انسجام اسلامی تأکید و مسلمانان را به وحدت و انسجام سفارش نموده است. قرآن کریم امت اسلامی را از تمام اختلافها و تفرقه‌های که مانع وحدت و رشد و تکامل، تمدن ساز است نهی کرده است و بدون شک اگر تمامی ملل اسلامی مطابق با آموزه های قرآن عمل کنند، زمینه های نفاق و تفرقه از میان برداشته می شود و مسیر برای تحقق وحدت اسلامی فراهم می شود؛ چنان که می فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»؛ (آل عمران/ ۱۰۳)؛ و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راههای متفرق نروید، و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید، و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد. بدین گونه خدا آیاتش را برای (راهنمایی) شما بیان می کند، باشد که هدایت شوید.

امام خمینی رحمته الله علیه به عنوان یک روشنفکر مذهبی و یک مسلمان واقعی تمامی جوانب را در نظر گرفته و برای امت اسلامی تلاش میکرد. اندیشه وحدت از دیدگاه امام خمینی وسیله و ابزار اصلی نفی سبیل و سلطه غیر مسلمان بر امت اسلامی بوده و وحدت رمز پیروزی و بقای امت اسلامی است (موسوی خمینی، ۱۳۱۱، ۱)؛ از جمله چیزهایی که بر ای قیام مسلمانان و مستضعفان جهان علیه چپاولگران جهانی و مستکبران جهانخوار لازم به تذکر

است آن است که نوعاً قدرتها ی ستمگر از راه ارعاب و تهدید یا بوسیله بوقهای تبلیغاتی خودشان و یا بوسیله عمال مزدور بومی خائن شان مقاصد خود را اجرا می کنند در صورتی که اگر ملتها با هوشیاری و وحدت در مقابلشان بایستند موفق به اجرای آن نخواهند شد، (همان، ۱۱).

### ب) ایستادگی و مقاومت

اصل ثبات قدم، استواری و استقامت یکی از راهکارهای مهم برای ساختن ساختمان محکم تمدن نوین اسلامی است. پایداری و مقاومت می تواند هم در تکوین و بوجود آمدن (علت محدثه) وهم در رشد و گسترش (علت مبقیه) تمدن نوین اسلامی ایفای نقش کند. استقامت به معنای ایستادگی در مقابل دشمن، از ضروریات شرع و از لوازم زندگی بشر است. دعوت به ایستادگی در آیات و روایات، از جایگاه گسترده و رفیعی برخوردار است؛ چنانکه در قرآن کریم دویار به پیامبر اسلام فرمان استقامت داده شده است؛ آنجا که می فرماید: «فَلِذَلِكَ فَادِعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتُ»؛ (شوری/۱۵) پس به همین خاطر تو نیز آنان را به سوی این آیین واحد الهی دعوت کن و آنچنان که مأمور شده ای استقامت نما. و نیز می فرماید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ»؛ (هود/۱۱۲) پس تو چنان که مأموری استقامت و پایداری کن و کسی که با همراهی تو به خدا رجوع کند نیز پایدار باشد. در این آیه، پیروان پیامبر اکرم نیز برای ساختن جامعه ای با تمدن نوین اسلامی به استقامت مکلف شده اند. در همین رابطه، در بزرگی و دشواری استقامت از پیامبر اسلام روایت شده است که خطاب «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» آن حضرت را پیر کرده است [ر.ک: طبرسی، ۵، ۳۰۴؛ ۱۳۷۲، فیض کاشانی، ۲، ۹۷۱؛ ۱۳۷۷، تفسیر قرطبی، ۹، ۲، ۱۴۲۳].

امام خمینی رحمته الله علیه در باره نزول این آیه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

روایت شده است از پیغمبر اکرم که شَبَّثْنِي سُوْرَةُ «هُودٍ» لِمَكَانٍ هَذِهِ الْآيَةِ. در سوره «شورا» هم این آیه آمده است. حضرت نفرمود سوره «شورا»؛ فرمود سوره «هود»؛ برای اینکه در سوره «هود» وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ است؛ یعنی چون استقامت ملت را هم به عهده من گذاشته

است، که مستقیم باش و هر که با توست مستقیم باشد، این من را پیر کرد. (صحیفه امام خمینی، ۹، ۴۷۹؛ ۱۳۸۹).

پیامبران دیگر نیز به پایداری دعوت شده اند؛ چنان که قرآن کریم در مورد موسی و هارون علیهم السلام می فرماید: «قَالَ قَدْ أُجِيبْتُ دَعْوَتُكُمْ فَأَسْتَقِيمًا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛ (یونس: ۸۹)، خدا فرمود: دعای شما مستجاب شد، پس هر دو استوار و پا برجا باشید و از راه مردم جاهل پیروی نکنید.

### ۶. اقتصادی:

از آنجا تشکیل جامعه ای متمدن اسلامی بدون رشد اقتصادی ممکن نیست و رشد اقتصادی به معنای رسیدن به همه بایسته‌ها و شایسته‌ها در فعالیت‌ها و مسائل اقتصادی است، به طور طبیعی از دیدگاه قرآن و روایات، این امر از اهمیت و ارزش بسیاری برخوردار است؛ زیرا از نظر قرآن، اقتصاد مایه قوام اجتماع بوده و ستون اصلی آن را تشکیل می‌دهد؛ چنان که می فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا»؛ (نساء، آیه ۵)؛ و اموالی که خدا قوام زندگی شما را به آن مقرر داشته به تصرف سفیهان ندهید و از مالشان نفقه و لباس به آنها دهید و با آنان سخن نیکو و دلپسند گوید.

در ارزش و اهمیت مسائل اقتصادی و لزوم رشد و شکوفایی آن همین بس که امور اقتصادی و معیشتی مردم، جایگاهی مهم در تراز مسائل اعتقادی و عبادی دارد؛ (ر.ک: بقره، آیات ۳ و ۴۱ و ۴۳ و ۸۳ و ۱۷۷ و ۲۷۷؛ نساء، آیه ۳۹؛ انفال، آیات ۲ و ۳)؛ زیرا از نظر قرآن، تأمین سعادت واقعی انسان در سایه یکتاپرستی، سلامت امور اقتصادی و پرهیز از فسادانگیزی است (ر.ک: اعراف، آیه ۸۵؛ هود، آیات ۸۴ تا ۸۶) به طوری که همه پیامبران برای تأمین عدالت برانگیخته می‌شوند که یکی از مهم‌ترین آنها عدالت در امور اقتصادی است؛ چنان که می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ...» (حدید / ۲۵).

در این میان، پیامبر مکرم و معظم اسلام ﷺ مأمور می‌شود تا در سطح برتر وارد عمل شده و در مقام مکارم اخلاقی مردم را به جایگاهی از عدالت خواهی برساند که همه هستی و هویت وجودی آنان قسط خواهی و سهم خواهی باشد؛ زیرا خدا قسط خواهی را به عنوان مقوم و مؤلفه اصلی ذاتی مومنان قرار داده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ»؛ (مائده، آیه ۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! برای خدا به عدالت بسیار با استواری برخیزید و به عدالت شهادت دهید.

برای تحقق راهکار اقتصادی در جهت تشکیل جامعه ای متمدن، عوامل زیرالزام است:

#### الف) امنیت

مهم‌ترین عامل در تحقق رشد اقتصادی و شکوفایی آن، وجود امنیت در اجتماع است؛ زیرا فقدان امنیت و وجود ناامنی به معنای فرار سرمایه‌ها بویژه منابع مدیر و متخصص آن خواهد بود. از همین رو قرآن، امنیت و آرامش اجتماعی - سیاسی را از مهم‌ترین عوامل رسیدن به رشد اقتصادی دانسته است؛ چنان که می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»؛<sup>۱</sup> (بقره، آیه ۱۲۶)؛ و (به یاد آر) هنگامی که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا، این شهر را محل امن و آسایش قرار ده و اهلش را که ایمان به خدا و روز قیامت آورده‌اند از انواع روزیها بهره‌مند ساز، خدا فرمود: و هر که (با وجود این نعمت) سپاس نگذارد و راه کفر پیماید گر چه در دنیا او را اندکی بهره‌مند کنم، لیکن در آخرت ناچار معذب به آتش دوزخ گردانم که بد منزلگاهی است.

رهبر معظم انقلاب در رابطه با لزوم امنیت در فعالیتهای اقتصادی مردم یک جامعه

فرمود:

«مردم در نظام جمهوری اسلامی باید احساس کنند که جان و مال و فرزندان و ناموس و فکر و عقیده و سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی‌شان برخوردار از امنیت است»؛  
۱۳۸۰/۲/۲۸، بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران. <https://>

۳۰۶۶//farsi.khamenei.ir/speech-content?id=

### ب) کار و تلاش

کار و کارگری از مهم‌ترین عوامل رشد و پیشرفت اقتصادی است؛ زیرا انسان در دنیا و آخرت، از تلاش و کوشش خویش، بهره‌مند است؛ و برای انسان چیزی جز آنچه سعی می‌کند نیست؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛ و (نمی‌داند) اینکه برای آدمی جز آنچه به سعی و عمل خود انجام داده (ثواب و جزایی) نخواهد بود؟، (نجم، آیه ۳۹)، از نظر قرآن، کار و تلاش بر روی زمین، عامل تأمین روزی و زندگی انسان است؛ به طور طبیعی کار بیشتر به معنای بهره‌مندی از فضل الهی است که فراتر از رزق معمولی که تقسیم شده است خواهد بود. (ملک، آیه ۱۵؛ اسراء، آیات ۱۲ و ۶۶؛ قصص، آیه ۷۳).

رهبر معظم انقلاب در رابطه با گسترش فرهنگ کار جامعه فرمود:

«هرچه بتوانید فرهنگ کار و تلاش و حضور در عرصه‌ی کار و سنگر کار را گسترش بدهید، خیلی خوب است؛ این به حرکت جامعه و نشاط جامعه کمک خواهد کرد.» ۱۳۸۹/۱/۱۶، بیانات رهبری در دیدار جمعی از مسئولان نظام جمهوری اسلامی: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۹۱۰۲>

### نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب گذشته می‌توان چنین نتیجه گرفت:

تمدن اسلامی که به مجموعه آداب و رسوم مشترک میان ملت‌های مسلمان برگرفته از قرآن و سنت گفته می‌شود، برای تحقق آن، راه هکارهای گوناگون قرآنی و حدیثی وجود دارد؛ مانند:

۱. اعتقادی که از موارد آن توحید محوری و گرایش به وحدت مبتنی بر توحید است و دیگری ولایت است که از بنیادی‌ترین مسایل دینی و نیز بالاترین نقطه هرم تمدن اسلامی است که از جایگاه بلند اعتقادی و محتوای عمیق ارزشی برخوردار می‌باشد. هیچ تحول

اساسی در اسلام خارج از فضای ولایی رخ نمی‌دهد.

۲. اسلام با ظهورش، با نگاهی الهی، اصل مساوات و پیشگیری از تبعیض در اثر رعایت قانون را سرلوحه برنامه های انسان ساز خود قرار داد و توانست در مدت کوتاهی، تمدنی بزرگ را رقم بزند، نمونه کامل و مصداق بارز آن، جامعه نبوی است که رسول گرامی اسلام با شعار قانون گرایی، مساوات و از بین بردن تبعیض در اثر اجرای دقیق قانون، تلاشهای زیادی را به عمل آورد و جامعه ای قانونمند را محقق کرد و آن را الگویی برای تمام جوامع بشری قرارداد.
۳. از راهکارهای دیگر تحقق تمدن نوین اسلامی، پیاده کردن ارزشهای اخلاقی؛ مانند تقویت ایمان، اراده، حس کرامت و شرح صدر است. و راهکارهای دیگر اجتماعی است که مشتمل بر تحکیم خانواده، همراه کردن دیگران با خود می باشد.
۴. همچنین راهکارهای اقتصادی برای تشکیل جامعه متمدن اسلامی که نمونه آن وجود امنیت در جامعه و تلاش و سخت کوشی آحاد مردم آن می باشد.
۵. اصل ثبات قدم، استواری و استقامت و انسجام و وحدت بین مسلمانان از راهکارها ی سیاسی و نیز اصول مهم برای بنای ساختمان محکم تمدن نوین اسلامی است.
۶. توجه به عقلانیت اسلامی و اجتهاد پویا و بالنده از دیگر راهکارهای فرهنگی پی ریزی تمدن نوین اسلامی است. دین مبین اسلام تمدن ساز است و عقلانیت اسلامی در گذر از جامعه جاهلی و بدوراز تمدن نوین اسلامی و نیز با برخورداری از فقه های تخصصی سنتی، احیاگر و اجتهاد پویا برای پایه ریزی و سامان دادن جامعه متمدن برآمده از زلال وحی و تعلیمات ناب پیامبر اسلام ﷺ، نقش ویژه ای را ایفا می نماید.



### فهرست منابع:

- \* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
- \* نهج البلاغه، شریف رضی، تحقیق صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، دارالهجره، قم.
۱. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه سید رسول هاشمی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ش.
  ۲. ابن بابویه، محمد بن علی، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
  ۳. ابن حجر العسقلانی، الإصابة فی تمييز الصحابة، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق، چاپ: اول.
  ۴. ابن شعبه حرّانی، تحف العقول عن آل الرسول، چ پنجم، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۳۹۴.
  ۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر والتنویر، مؤسسة التاریخ العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
  ۶. ابن عنبة، احمد بن علی، عمدة الطالب فی أنساب آل أبي طالب. مصحح: محمد حسن آل طالقانی، (ج ۱). قم - ایران: الشریف الرضی، ۱۳۶۲.
  ۷. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۱ش.
  ۸. بحرانی، مرتضی، یاد داشت: نسبت تمدن و قرآن، ۱۳۹۴، خبرگزاری مهر.
  ۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷.
  ۱۰. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
  ۱۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، مؤسسه دار

- الکتاب الاسلامی، ۱۴۲۹ ق.
۱۲. جان احمدی، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، محقق: نجف، مهدی، ص ۲۷، قم، نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۱۴. حکیمی، محمدرضا. بعثت، غدیر، عاشورا، مهدی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۵. خامنه ای، سیدعلی، (۱۳۷۳/۰۶/۲۹)، [www.leader.ir](http://www.leader.ir). بیانات ایشان در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، در پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری به آدرس:
۱۶. ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ ش، بیانیه گام دوم انقلاب، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ ش.
۱۷. [www.leader.ir](http://www.leader.ir)، 1391/7/23. بیانات ایشان در جمع دانشجویان، دانش آموزان و سایر جوانان خراسان شمالی، در پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری به آدرس:
۱۸. [www.leader.ir](http://www.leader.ir)، ۱۳۷۵ / ۱۱ / ۲۱، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگران نظام به مناسبت عید غدیر.
۱۹. ۱۳۷۸ / ۷ / ۱۵، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت سالروز بعثت پیامبر.
۲۰. خمینی، روح الله، صحیفه امام، انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران ۱۳۸۹ ه. ش، چاپ پنجم.
۲۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
۲۲. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، قم، ۱۳۸۷.
۲۳. سپهری، محمد، تمدن اسلامی در عصر امویان، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۹.

۲۴. شریعتی، علی، مجموعه آثار (تاریخ تمدن)، ج ۱۱، ص ۱۲ - ۱۳، دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار دکتر شریعتی، ۱۳۵۹ ش.
۲۵. شهیدی، سید جعفر، ۱۳۶۲، زندگانی امام صادق سلام الله علیه، تهران، جامعه الامام الصادق.
۲۶. صاحب الزمانی، ناصرالدین، بی تا، سهم اسلام در تمدن جهانی، تهران، بعثت.
۲۷. صمدی، قنبرعلی، مقاله تمدن اسلامی، مفهوم، ویژگی ها و بایسته ها، همایش بین المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان شهر معنوی با تأکید بر شهر مقدس مشهد، برگزار کننده: جامعه المصطفی العالمیه، تاریخ برگزاری: ۹ آذر ۱۳۹۶، محل برگزاری: مشهد.
۲۸. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: موسوی، محمد باقر، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ: قم، ۱۳۹۰ ه. ش، چاپ: ۲.
۲۹. طبرسی، فضل بن الحسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم - ایران: موسسه آل البيت علیهم السلام، لإحياء التراث، ۱۴۱۷.
۳۰. -.، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ه. ش.
۳۱. عباس نژاد، محسن. قرآن و اقتصاد. مشهد: مؤسسه انتشارات بنیاد پژوهش های قرآن، حوزه و دانشگاه.
۳۲. عبدالحمیدی، علی، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ۱۳۷۵ ش، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، ۱۳۷۵ ه. ش، چاپ اول
۳۳. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، ج ۲۰، ص ۷۸، انتشارات دار الملائک، بیروت، ۱۴۱۹ ه. ق، چاپ اول.
۳۴. فلسفی، محمد تقی، جوان، هیئت نشر معارف اسلامی، بی تا.
۳۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، علم الیقین، محقق: بیدارفر، محسن،

- انتشارات بیدار، قم، ۱۳۷۷.
۳۶. قانع، احمد علی (۱۳۷۹) علل انحطاط تمدن ها از دیدگاه قرآن. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۷. قرطبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبی بکر بن فرح الأنصاری الخزرجی شمس الدین، الجامع لأحكام القرآن، محقق: هشام سمیر البخاری، انتشارات دار عالم الکتب، الرياض، المملكة العربية السعودية ۱۴۲۳ هـ ق.
۳۸. کریمی نیا، محمد مهدی، همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۶ ش.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۵، اصول کافی، ترجمه محمدباقر کمره ای، چاپ هشتم، تهران، انتشارات اسوه.
۴۰. گلشنی، مهدی، علم و دین و معرفت، نشر جعفری، تهران، ۱۳۷۳.
۴۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، محقق / مصحح: جمعی از محققان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ هـ ق، چاپ دوم.
۴۲. محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، چاپ سوم، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۱.
۴۳. مصداق، پایگاه تخصصی اندیشه ولایت، درسنامه راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۸.
۴۴. مطهری، مرتضی، انسان در قرآن، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۱۲ ش.
۴۵. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱، ش.
۴۶. مفید، محمد بن محمد نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. مصحح: محمد باقر ساعدی، مترجم، محمد باقر بهبودی، تهران، اسلامیة، ۱۳۸۰ ش.
۴۷. ملکی حسن، ملکی یاسر، ۱۳۹۲، تعامل اخلاق، معنویت، عقلانیت و تمدن نوین اسلامی، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره: ۱۷، شماره: ۴.

۴۸. موسوی خمینی، روح الله. ۱۳۱۱. صحیفه نور. تهران. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۹. نوری، محمد موسی، قانون‌مداری در سیره نبوی، مجله معرفت، ۱۳۸۳ شماره ۸۶.
۵۰. هوشیار، محمد باقر، اصول آموزش و پرورش، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۵ ش.